



عکس: ایرنا

نگاهی به اقدام غیرکارشناسی منتقدان دولت در مقایسه تورم در اقتصاد ایران و افغانستان؛

## مثبت‌نمایی یک شاخص منفی

### گزارش

مریم آریایی

روزنامه نگار

بانک جهانی درگیر فقر گسترده است و تقریباً تمام جمعیت به دلیل درآمد ناکافی، غذای کافی ندارند. برخلاف تصور عموم، اساساً تورم منفی، شاخص نگران‌کننده‌ای محسوب می‌شود، نه مثبت. وقتی در اقتصاد تورم منفی شود، در آن اقتصاد، تولید تعطیل می‌شود چون دیگر به صرفه نیست و هر کالایی تولید شود با قیمت پایین‌تر از هزینه تمام‌شده باید به فروش رود. در شرایط تورم منفی، اقتصاد دچار رکود هم می‌شود چون کسی خرید نمی‌کند و همه منتظر ارزان‌تر شدن می‌مانند. بررسی‌های جهانی هم نشان می‌دهد که میزان تورم تک‌رقمی و حدود ۵ درصد، تورم مفید برای اقتصادها است که نه دچار شوک گرانی‌ها باشد و نه رکود ناشی از تورم منفی.

متحمل شوک‌های داخلی قابل توجهی شده‌اند و بحران‌های عمیق همچنان رشد آنها را تضعیف می‌کند. براساس گزارش جهانی درباره بحران‌های غذایی، افغانستان در بین ۷ کشوری است که مردم آن از سال ۲۰۲۲ با فقر و گرسنگی حاد مواجه شدند و کاهش تورم در چنین اقتصادی می‌تواند ناشی از کاهش سرمایه‌گذاری باشد. اگر حکم‌نمای قیاس را همان گزارش بانک جهانی قرار دهیم، این بانک در گزارش سالانه خود با بررسی رشد اقتصادی ۷۲ کشور جهان در پاییز سال گذشته (سه‌ماهه چهارم ۲۰۲۲) اعلام کرده که اقتصاد ایران با رشد ۴.۷ درصدی در رده‌بندی این کشورها از نظر بیشترین میزان رشد اقتصادی رتبه ۱۵ را به خود اختصاص داده و این یعنی تنها ۱۴ کشور رشد اقتصادی بیشتری نسبت به ایران در این دوره داشته‌اند.

آمار بانک جهانی نشان می‌دهد،

ایران در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۲ (زمستان سال ۱۴۰۰) رشد قابل توجه ۵ درصدی را تجربه کرده و این رقم در سه‌ماهه دوم (بهار ۱۴۰۱) به ۲.۵ درصد کاهش یافته است، اما در سه‌ماهه سوم (تابستان ۱۴۰۱) روند رشد اقتصادی ایران صعودی شده و در سه‌ماهه چهارم

### رشد نقدینگی در کف ۵ ساله

در خصوص نرخ رشد نقدینگی، هدف‌گذاری دولت و بانک مرکزی همان طور که در بسته ۱۰بندی مهار تورم اعلام و در حال اجرایی شدن است؛ کاهش رشد نقدینگی در سال جاری به محدوده ۲۵ درصد است و عملکرد دو ماهه اول سال حکایت از تحقق این هدف دارد چرا که براساس گزارش بانک مرکزی، رشد نقدینگی در دو ماهه اول اسفند ۲۱ درصد بوده که کمترین نرخ در ۵ سال اخیر بوده است در حالی که رشد نقدینگی در ۱۲ ماه منتهی به اردیبهشت ۱۴۰۰ معادل ۳۸.۸ درصد بوده و در ۱۲ ماه منتهی به اردیبهشت ۱۴۰۲ معادل ۳۰.۹ درصد بوده است. در همین حال اقداماتی مانند برنامه جامع تطبیق نقشه تجاری و ارزی، مداخله مستقیم در بازار ارز و ... با هدف مدیریت بازار ارز و تسریع در ایجاد شرکت‌های پروژه سهامی عام در جهت تحقق هدف افزایش سرمایه‌گذاری در کشور و سهم‌شدن آحاد مردم در سودآوری فعالیت‌های اقتصادی نیز در دستور کار دولت است. با این تفسیر به نظر می‌رسد زمانی که کاهش تورم در افغانستان نشانه‌ای بر توانایی دولت در مهار تورم تقسیم می‌شود؛ باید این قیاس در بستر واقعیات اقتصادی دو کشور دیده شود. در گزارش سالانه بانک جهانی تأکید شده است که برخی از اقتصادهای جنوب آسیا، از جمله افغانستان متحمل شوک‌های داخلی قابل توجهی شده‌اند و بحران‌های عمیق همچنان رشد آنها را تضعیف می‌کند.

(پاییز ۱۴۰۱) به ۴.۷ درصد رسیده است. بنابراین قاعدتاً تفسیر تورم در اقتصاد ما و اقتصاد افغانستان متفاوت و قیاس آنها اشتباه است. اما درباره تورم در اقتصاد ما بدون قیاس با کشور یا کشورهای دیگری که ابعاد اقتصاد آنها با اقتصاد ایران قابل قیاس نیست، لازم به ذکر است که هرچند تداوم تورم بالا بویژه در ۵ سال پایانی، توان مردم را بیش از پیش کاهش داده اما دولت با درک این شرایط اقدام به برنامه‌ریزی برای مهار تورم با تکیه بر شناسایی عوامل ایجاد تورم و آسیب‌شناسی برنامه‌های گذشته کرده است. با نگاهی به روند تورم نقطه به نقطه ملاحظه می‌شود، این متغیر که به بالاترین میزان خود طی سه دهه اخیر به ۶۵.۳ درصد در بهمن ۱۳۹۹ رسید، طی روند نزولی به ۳۹.۵ درصد در پایان اسفند ۱۴۰۰ کاهش یافت؛ اما از ابتدای سال ۱۴۰۱ روند صعودی تورم شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی آغاز شد و طی یک روند نوسانی در نهایت، در اسفند ۱۴۰۱ نرخ تورم نقطه به نقطه به ۶۳.۹ درصد و نرخ تورم ۱۲ ماهه منتهی به اسفند ماه به ۴۶.۵ درصد رسید.

آنچه موجب افزایش تورم در سال گذشته شد، شوک‌های تورمی از جمله افزایش قیمت جهانی اقلام خوراکی ناشی از جنگ روسیه و اوکراین، حذف تخصیص ارز ترجیحی، انتظارات تورمی حاصل از برخی اخبار تحولات و تنش‌های سیاسی و بین‌المللی و جهش‌های نرخ ارز ناشی از عواملی مانند بروز اغتشاشات و ناآرامی‌های اجتماعی و تشدید تحریم‌های اقتصادی و انتظارات تورمی ناشی از آن بود که قاعدتاً با حذف این شوک‌ها چشم‌انداز کاهش تورم در سال جاری امیدوارکننده است.

دولت علاوه بر اینکه ثبات بخشی به بازارها را دنبال می‌کند، از همان ابتدا در پی مهار عوامل بنیادین تورم بوده و با تکیه بر همین مسیر بود که تورم نقطه به نقطه شاخص قیمت تولیدکننده که در اردیبهشت ۱۴۰۰ به بالاترین میزان خود در سه دهه اخیر یعنی ۱۰۳.۱ درصد رسیده بود، طی روند نزولی به ۳۳.۱ درصد در پایان اسفند ۱۴۰۰ کاهش یافت. نبود تناسب رشد بالای نقدینگی نشأت گرفته از ناترازی‌های اقتصاد مانند ناترازی در بودجه دولت، ناترازی در نظام بانکی، ناترازی در نگاه‌های اقتصادی و... از جمله عوامل بنیادینی است که آن رسانه نیز در گزارش خود به آن اذعان کرده و دولت رفع ناترازی‌های موجود در بخش‌های مختلف اقتصادی را با هدف کنترل رشد نقدینگی در یک و نیم سال قبل دنبال کرده است.

### برخلاف تصور عموم، اساساً تورم منفی، شاخص نگران‌کننده‌ای محسوب می‌شود، نه مثبت. وقتی در اقتصادی تورم منفی شود، در آن اقتصاد، تولید تعطیل می‌شود چون دیگر به صرفه نیست و هر کالایی تولید شود با قیمت پایین‌تر از هزینه تمام‌شده باید به فروش رود. در شرایط تورم منفی، اقتصاد دچار رکود هم می‌شود.

بانک مرکزی:

## وزارت اقتصاد سهامدار اصلی چندین بانک خصوصی

نسبت تسهیلات به سپرده‌ها در همه بانک‌ها افزایش یافت

### گزارش دو

بانک مرکزی اعلام کرد، نسبت تسهیلات به سپرده‌ها در بانک‌های دولتی به ۸۳.۵ و در بانک‌های خصوصی به ۶۷.۴ درصد افزایش یافت. معاون نظارت بانک مرکزی با تأکید بر بهبود قابل توجه نسبت تسهیلات به سپرده‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی در غالب استان‌های کشور، از واگذاری حق رأی مازاد بر ۱۰ درصد مالک واحد شناسایی شده در تعدادی از مؤسسات اعتباری خصوصی به وزارت اقتصاد و همچنین تفویض بیش از ۵۰ درصد حق رأی چهار مؤسسه اعتباری به وزارت امور اقتصادی و دارایی به استناد تبصره (۲) ماده (۱) «قانون اصلاح قانون اجرای سیاست‌های کلی

اصل چهارم و چهار (۴۴) قانون اساسی» خبر داد. وی با اشاره به بهبود قابل توجه نسبت تسهیلات به سپرده‌ها در بانک‌های دولتی و خصوصی پس از ابلاغ بخشنامه بانک مرکزی و اجرای آن، گفت: نسبت تسهیلات به سپرده‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی در کل کشور از ۷۷ درصد در زمان ابلاغ بخشنامه سال ۹۹ بانک مرکزی به حدود ۸۳.۵ درصد در پایان اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است. نسبت مزبور در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی خصوصی نیز (با احتساب اطلاعات مربوط به دفاتر مرکزی شرکت‌ها و واحدهای تولیدی سایر استان‌های مستقر در تهران) از ۶۱ درصد در زمان ابلاغ بخشنامه فوق‌الذکر به حدود ۶۷.۴ درصد در پایان اردیبهشت‌ماه

سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است. معاون نظارت بانک مرکزی در ادامه تصریح کرد: در آمار منتشر شده روزهای قبل درباره تسهیلات بانک‌ها، مبالغ پرداختی توسط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی در قالب عقد مشارکت حقوقی، لحاظ نشده است در حالی که منابع پرداخت شده از این محل نیز به عنوان تأمین مالی شبکه بانکی باید لحاظ شود که براساس آمار مربوط، این عدد بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان است و چنانچه مبالغ پرداختی توسط شبکه بانکی کشور در قالب عقد مشارکت حقوقی به آمار ارائه شده در خصوص نسبت تسهیلات به سپرده اضافه شود، نسبت مورد اشاره به‌مراتب افزایش خواهد یافت. سرورش با اشاره به ارسال پاسخ



عکس: ایرنا

است، موظف شده‌اند با نظرداشت لزوم تأمین مالی طرح‌های ملی و نیز انجام تکالیف بودجه‌های سنواتی، در یک بازه زمانی معین حداکثر تا پایان سال ۱۴۰۰، نسبت مذکور را به حداقل ۵۰ درصد ارتقا بخشند؛ به گونه‌ای که حداقل ۵۰ درصد منابع سپرده‌های قابل تخصیص در هر استان به همان استان اختصاص یابد.

اصلاحی آن وزارتخانه برای بانک مرکزی تهیه و ارسال شود. وی در ادامه با اشاره به بخشنامه شماره ۹۹/۲۱۶۶۹ مورخ ۱۳۹۹/۲/۳ بانک مرکزی گفت: بر این اساس بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی که نسبت مجموع تسهیلات اعطایی آنها در هر استان به مجموع سپرده‌های آنها در همان استان کمتر از ۵۰ درصد

مستدل دکتر فرزین، رئیس کل بانک مرکزی به وزیر اقتصاد در روز گذشته و تأکید ایشان در این نامه بر ضرورت پاسخگویی وزارت اقتصاد با توجه به سهامداری این وزارتخانه در بانک‌های خصوصی، گفت: انتظار داریم با توجه به مکاتبات متعدد بانک مرکزی با آن وزارتخانه در خصوص اصلاح ساختار مالی بانک‌های خصوصی، برنامه

### نسبت تسهیلات به سپرده‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی در کل کشور از ۷۷ درصد در زمان ابلاغ بخشنامه سال ۹۹ بانک مرکزی به حدود ۸۳.۵ درصد در پایان اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است